

حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر جرائم جنسی (مطالعه موردی منطقه پاکدشت شهر تهران)

علیرضا عصرمه‌دوی^۱

چکیده

مقاله حاضر، باتوجه به اهمیت موضوع و با هدف بررسی اثر حاشیه‌نشینی بر ارتکاب جرائم جنسی و ایجاد زمینه‌های آن در منطقه پاکدشت بعنوان یکی از جرم‌خیزترین محله‌های حاشیه‌نشین شهر تهران، به بررسی وضعیت جرم‌خیزی و زمینه‌های ارتکاب جرم در این محله بعنوان محدوده مورد مطالعه پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله بر مطالعات میدانی (مصاحبه، پرسشنامه و مشاهدات میدانی) و کتابخانه‌ای استوار بوده و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به دست آمده است، بدین صورت که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، از بین سه طبقه براساس نسبت جمعیت جامعه آماری بصورت تصادفی ساده ۱۵۰ نفر انتخاب شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS18 استفاده شد. سوال اصلی که برای این پژوهش مطرح می‌شود این است که نقش حاشیه‌نشینی در افزایش جرائم جنسی چگونه قابل تحلیل است؟ و فرضیه آن بدین صورت است که میان حاشیه‌نشینی و افزایش جرائم جنسی ارتباط مستقیم وجود دارد. هدفی که برای این پژوهش می‌توان بیان نمود بررسی ارتباط حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرائم جنسی به منظور پیدا کردن راهکارهای موثر جلوگیری از افزایش جرائم جنسی می‌باشد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد به علت مسائلی از قبیل: حاکمیت ناامنی، سطح پایین درآمد خانواده‌های ساکن در این محله‌ها، فقر و بیکاری، کافی نبودن فضاهای آموزشی، فقدان آموزش‌های فرهنگی لازم، محرومیت‌های ناشی از روابط مشروع جنسی، جمعیت بالا در مسکن‌های ناکارآمد و مشکلات ازدواج و روابط خانوادگی، زمینه ارتکاب و گرایش به جرائم جنسی در محله بالاست.

واژگان کلیدی: جرم، حاشیه‌نشینی، جرائم جنسی، منطقه پاکدشت، شهر تهران

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات estacademic@gmail.com

مقدمه

موضوع حاشیه‌نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم، مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم‌شناسان بوده است. اینکه برخی جرایم در حاشیه‌نشینان بیشتر از سایر مناطق شهری اتفاق می‌افتند مورد پذیرش اغلب جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان است و آمارهای اخذ شده از پرونده‌های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت و ارتباط مستقیم میان حاشیه‌نشینی و جرم وجود دارد. احساس ناامن بودن در مناطقی که حاشیه‌نشین هستند، تنها به دلیل ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز توسط مجرمان در این مناطق نیست بلکه بیشتر به دلیل ناهنجاری و رفتارهای اخلاص‌گرایانه‌ای است که منجر به رواج گسترده سایر جرائم می‌گردند. حاشیه‌نشینان که اغلب از مهاجران روستاها و شهرهای کوچک تشکیل شده‌اند و به امید به دست آوردن امکانات رفاهی و درآمد بیشتر دیار خود را ترک کرده‌اند، اکثراً فاقد دانش، مهارت یا سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار در محل‌های جدید اسکان خود هستند. این افراد در مواجهه با چالش‌های اقتصادی پیش رو به دلیل تضعیف روابط اجتماعی در محیط جدید و نابسامانی اجتماعی مستعد ارتکاب بزه می‌گردند. حاشیه‌نشینان تمام جوامعی را که در آنها زندگی می‌کنند خود انتخاب نمی‌کنند بلکه بعضی مواقع مجبور به گذراندن بخشی از طول عمر خود در این نواحی می‌شوند. این جوامع دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود هستند و ممکن است همه رفتارهای فرد که به طرق مختلف و با شرایط متفاوت یاد گرفته می‌شوند با قواعدی که محصول این ارزش‌ها هستند مطابقت نداشته باشند و به دلیل فقدان نظارت و کنترل کافی، امکان بروز و ظهور رفتارهای ناهنجار در حاشیه‌نشینان بیشتر از سایر مناطق شهرها است.

در حال حاضر با مرور چهار دهه تلاش برای ساماندهی و مدیریت حاشیه‌نشینی، شاهد آن هستیم که نه تنها مسئله حاشیه‌نشینی به سطحی قابل قبول نرسیده بلکه حاکی از شیوع و عمیق‌تر شدن آن در کشور است. این در حالی است که وجود نابسامانی و نامطلوب بودن وضعیت مسکن در سکونتگاه‌هایی که فاقد رسمیت هستند این آشفتگی و ناهنجاری را در کالبد شهری نیز منعکس می‌کنند.

۱- تعریف و مفاهیم حاشیه‌نشینی

در زبان فارسی اصطلاحات متعددی در ارتباط با حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، حلبی‌آباد و غیره که هرکدام مفهوم خاص خود را دارند. حاشیه‌نشینان از جمله کسانی هستند که در شهرها سکونت می‌کنند اما توانایی این را ندارند که وارد نظام اقتصادی، اجتماع و فرهنگی شهر شوند. و به همین دلیل هیچ بهره‌ای از خدمات شهری نمی‌برند (عابدینی، ۱۳۸۲: ۵). اگرچه می‌توان گفت عامل اصلی که به مناطق حاشیه‌نشین رشد می‌دهد مهاجرت در شهرها است، ولی این واقعیت

وجود دارد که بخشی از افرادی که به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند از جمله کسانی هستند که بطور همیشگی ساکن شهرها بوده‌اند و به دلیل فقر اقتصادی در واحدهایی که نامتعارف هستند با حداقل امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی زندگی می‌کنند.

از حاشیه‌نشینی تعاریف گوناگونی ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- حاشیه‌نشین، به مفهوم کلی، به کسی گفته می‌شود که در مکان شهری سکونت می‌کند اما توانایی این را ندارد که جذب نظام شهری گردد و بتواند از خدمات شهری بهره‌بردار و در واقع از کلیه خدمات شهری بی‌بهره می‌باشد.

۲- افرادی که مهاجر هستند و در مناطق حاشیه‌نشین سکونت می‌کنند از افرادی هستند که از سیاست و قدرت جدا افتاده‌اند و جزء گروه‌هایی هستند که در نواحی پست سکونت می‌کنند و دارای موقعیت بسیار پایینی از لحاظ اجتماعی هستند و جزء طبقات پایین اجتماع می‌باشند (عابدینی، ۱۳۸۲: ۶-۵).

۳- خانواده‌های تهیدست غالباً مهاجر که به تعبیر اسکار لوئیس^۱ در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. «آنان بطور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند».

درنهایت اینکه، آنچه از تعاریف گوناگون برمی‌آید آن است که: حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه را غالباً مهاجرینی تشکیل می‌دهند که شهرهای بزرگ را هدف خود قرار داده‌اند و از سرمایه و مهارت کافی برخوردار نیستند. آنها قدرت این امر را ندارند که در متن اصلی جامعه و شهر قرار گیرند و ناگزیر می‌شوند زندگی در مناطق حاشیه‌نشین را قبول کنند. پس از بررسی مطالب فوق، در گفتار بعدی این تحقیق به تقسیم‌بندی حاشیه‌نشینی در دو بخش حاشیه‌نشینی از نظر سکونت اولیه و از نظر جنبه‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- حاشیه‌نشینی از نظر سکونت اولیه

از نظر سکونت اولیه حاشیه‌نشینی شامل سه مورد حاشیه‌نشینی بومی، حاشیه‌نشینی غیربومی و حاشیه‌نشینی دوگانه است که در ذیل مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱) حاشیه‌نشینی بومی

حاشیه‌نشینی را شامل می‌شود که مهاجرت نکرده‌اند. این افراد از زمانی که متولد شده‌اند تاکنون در مناطق حاشیه‌نشین سکونت داشته‌اند. این افراد در محدوده شهری و اقتصادی و اجتماعی سکونت دارند ولی از لحاظ معیشتی و اسکان جدا از جامعه شهری هستند (نجفی ابرندآبادی و بیگی، ۱۳۷۸: ۷۶).

¹ Oscar Lewis

۲) حاشیه‌نشینان غیربومی

اینگونه از حاشیه‌نشینان به این دلیل که از شغل مناسب برخوردار نیستند و مهارت کافی نیز برای کسب درآمد ندارند به دلیل نداشتن مسکن و سکونتگاه مناسب به حاشیه شهرها رفته و در آنجا سکنی می‌گزینند.

۳) حاشیه‌نشینی دوگانه

شامل حاشیه‌نشینی بومی و غیربومی می‌باشد. حاشیه‌نشینی بومی شامل کسانی است که از ابتدای تولد تاکنون به صورت حاشیه‌نشینی زندگی می‌کردند و حاشیه‌نشینان غیربومی نیز شامل کسانی می‌گردد که به دلایلی چون نداشتن شغل مناسب و مهارت کافی در کسب درآمد از روستاها جدا شده و به حاشیه شهرها مهاجرت نموده‌اند.

۱-۲- حاشیه‌نشینی از نظر جنبه‌ها

درخصوص حاشیه‌نشینی از نظر جنبه‌ها می‌توان بیان نمود که این گفتار به سه مورد مجزا تقسیم می‌گردد و شامل حاشیه‌نشینی در حوزه اجتماع، اقتصاد و سیاست می‌باشد که در ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱) حاشیه‌نشینی اجتماعی

این نوع از حاشیه‌نشینی شامل افرادی می‌شود که از نظر ویژگی‌هایی چون زبان، رفتار و احساس در حاشیه هستند. این امر در میان افراد حاشیه‌ای که از نظر قومی، نژادی و مذهبی متفاوت‌اند، بیشتر به چشم می‌خورد. احساس حاشیه‌ای داشتن به افراد این حس را القا می‌کند تا خود را بی‌هویت جلوه دهند.

۲) حاشیه‌نشینی اقتصادی

نداشتن درآمد مناسب، عدم مهارت در کسب درآمد، نداشتن تحصیلات مناسب و داشتن شغل کاذب و جرم‌زا از ویژگی‌های حاشیه‌نشین اقتصادی است.

۳) حاشیه‌نشینی سیاسی

این نوع حاشیه‌نشینی شامل مواردی می‌شود که افراد در ساخت نهادهای نظام سیاسی مشارکتی ندارند (الهیان کیکانلو، ۱۳۸۴: ۷۴).

۲- جرائم حاشیه‌نشینان

رفتار تبلور آموزه‌ای است که تحت تاثیر محرک خارجی بروز می‌کند. یعنی ما برای تغییر یک رفتار باید محرک‌ها را تعریف کنیم. رفتار ما واکنش پاسخی است به محرک‌های قابل مشاهده و بعضاً غیرقابل مشاهده ولی رفتارها ناشی از انگیزه‌ها و انگیزه‌ها ناشی از نیازهاست، رفتار انسان ثمره شخصیت انسان و شخصیت

انسان مختص به همان انسان و همیشه در حال تغییر و متاثر از عوامل جسمی، روانی و محیطی است (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۲۴). در خصوص حاشیه‌نشینی باید از هرگونه پیشداوری خودداری نمود تا با دیدی واقعی به آن نگریسته شود. باتوجه به مطالب مذکور، در ذیل جرائم علیه امنیت جانی، جرائم علیه امنیت مالی و در نهایت جرائم علیه امنیت اجتماعی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۲- جرائم علیه امنیت جانی

سزاربکاریا^۱ می‌گوید: «می‌خواهید از وقوع جرائم پیشگیری کنید، بکوشید تا قوانین روشن و ساده باشد» (بکاریا، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

آنریکوفری^۲، به جبر محیطی معتقد است و می‌گوید: «انسان بطور فطری، بزهکار و ناهنجار متولد نمی‌شود، بلکه محیطی که در آن زندگی می‌کند، محیطی که در آن رشد و نمو می‌کند و محیطی که در آن آموزش می‌بینند از جمله عوامل دخیل در ناهنجاری و بزهکاری هستند» (فدایی شهری، ۱۳۷۸: ۹۳). ترس از جرائم جسمانی، منجر به این امر می‌شود که فرد از آزادی کمتری برخوردار شود و بر همین مبنا نمی‌تواند در فعالیت‌های که در اجتماع صورت می‌گیرد مشارکت کند. برخی از اقشار جامعه در برابر ترسی که از این جرائم جنسی دارند بسیار آسیب‌پذیر هستند. در سراسر جهان، بزهکاری و ترس، حقوق اساسی اشخاص را برای زندگی در صلح و استفاده کامل از جامعه‌ای سالم و پایدار، تهدید می‌کند. این تهدیدها در مورد همه شهرها اعم از مرفه و فقیر مصداق داشته و هزینه قابل توجهی را بر جامعه تحمیل می‌کنند.

۲-۲- جرائم علیه امنیت مالی

در درجه اول تصور می‌گردید که ناامنی در شهرک‌های حاشیه‌ای که از طبقات پایین جامعه با امکانات اقتصادی حداقلی هستند بیشتر است. زیرا امکان دارد شرایط نامناسب زندگی در شهرک‌های اقماری، تنش‌ها و فشارهای اجتماعی، مسکن نامناسب، تحصیلات پایین، درآمد اندک و احتمالاً تعداد زیاد فرزندان به افزایش ناامنی مالی درون خانواده و غیرمستقیم در بیرون آن بینجامد (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴). ارتکاب جرائم مرتبط با امنیت مالی باعث می‌گردد که امنیت که عنصر اساسی برای ادامه زندگی متعادل است به خطر بیفتد. با وجود فقری که بر سر ساکنین مناطق حاشیه‌نشین سایه افکنده جرائم علیه امنیت مالی در این مناطق سهم کوچکی در سیاهه بزهکاری در کل جامعه را دارا می‌باشد. بیشترین جرائم مالی این دسته از اقشار جامعه جرائمی همچون سرقت‌های کوچک اعم از اتومبیل، مسکن و ... کیف‌قاپی و ... می‌باشد، در حالیکه جرائم

¹ Cesar Baccaria

² Enricoferri

کلانی همچون کلاهبرداری‌های بزرگ، اختلاس‌های کلان و ... که بیشترین ضرر و زیان را در جامعه از خود به جای گذاشته و امنیت اقتصادی جامعه را به مخاطره می‌اندازد توسط عده قلیلی از متن‌نشین‌های مرفه و در پاره‌ای موارد صاحب منصب به وقوع می‌پیوندد، همان که ساترلند از آنها بعنوان مجرمین یقه سفید یاد کرده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲-۳- جرائم علیه امنیت اجتماعی

تمامی جرائم منجر به این می‌شوند که امنیت کشور و آسایش عمومی مردم خدشه‌دار شود، لیکن این خصیصه در برخی از آنها روشن‌تر و ملموس‌تر است. زمانی که قتل و یا سرقتی اتفاق می‌افتد در ابتدا ضرر به یک یا چند فرد خاص وارد می‌شود اما در کل آسایش عمومی یک جامعه و یا منطقه مختل می‌شود و به خطر می‌افتد ضرر اولیه و ابتدایی به یک یا چند فرد به خصوص وارد می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴: ۱۴). بنابراین جرم و ترس از جرم تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل شهرها و کیفیت زندگی داشته است. جرم بر طیف وسیعی از انتخاب‌ها تأثیر می‌گذارد؛ از جمله انتخاب محل زندگی، محل کار، محل تفریح و ... و صرف کیفر، نمی‌تواند از جرائم علیه امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین بکاهد زیرا کیفر عملی گذشته‌نگر است که شخص را به دلیل اعمال گذشته تنبیه می‌کند و اعمال آینده را نادیده می‌گیرد (عابدینی، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

۳- عوامل زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین

از جمله عواملی که زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی هستند نداشتن هویت، خشونت و جرم و جنایت، احساس حقارت و مستعد بودن برای آشوب و درگیری است. همچنین این عبارت مرتبط با گروه‌هایی است که از طبقات متوسط جامعه هستند و نقش موثری در اجتماع ندارند. و در واقع به حاشیه رانده شده‌اند و جایگاهی ندارند. این افراد و نیروها به این دلیل که دارای جایگاهی اجتماعی نیستند در سطح پایین اجتماع قرار می‌گیرند و در قبال پیگیری منافع خود ناتوان هستند. به وجود آمدن پدیده‌ای چون حاشیه‌نشینی فقط محدود به همان منطقه حاشیه‌ای نیست بلکه شامل مسائل متعددی می‌گردد که می‌تواند تأثیرات بر محیط اطراف خود داشته باشد. از اینرو پرداختن به مسئله حاشیه‌نشینی و عللی که منجر به شکل‌گیری این پدیده گردیده امری ضروری می‌باشد. عوامل و پدیده‌های زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین را بطور کلی می‌توان در چهار دسته: ۱- عوامل اقتصادی؛ ۲- عوامل اجتماعی-فرهنگی؛ ۳- عوامل کالبدی و ۴- عوامل سیاسی طبقه‌بندی نمود که در زیر بطور جداگانه و در چهار مبحث مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۱- عوامل اقتصادی

از تأثیرات عوامل اقتصادی می‌توان به شرایط نامطلوب زندگی و محل سکونت، شرایط نامطلوب و عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری اشاره نمود. مباحث اقتصادی از دیرزمان توجه اندیشمندان را به خود جلب نموده است. حاشیه‌نشینان در واقع به این معنی است که افراد در بخش‌های غیررسمی مشغول بکار شوند و نتوانند جذب نظام شهری و اقتصاد آن گردند. که این اشتغال در بخش‌های غیررسمی و عدم تخصص افراد در محیط کار منجر به بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیرضروری بخش خدمات می‌شود (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). تمایز و تفاوت میان زندگی افراد حاشیه‌نشین و افرادی که از تمکن مالی برخوردار هستند منجر به این امر می‌شود که افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین برای اینکه هزینه‌های زندگی خود را تأمین کنند و بتوانند در این مورد از رفاه نسبی برخوردار باشند دست به هر کار غیرقانونی بزنند. و همین امر بصورت ناخودآگاه زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی می‌گردد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۲). پناه آوردن این قشر از جامعه شهری به این مناطق، پیامدها و نتایج زیر را به دنبال دارد (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹):

- ۱- شغل‌های غیرقانونی و کاذب؛ ۲- بیکاری و بیکاری فصلی و درآمد کم؛ ۳- بزهکاری؛ ۴- بدهکاری؛ ۵- نزاع‌های دائمی با همسایگان و رواج ضرب و جرح؛ ۶- عدم امنیت؛ ۷- اضطراب و افسردگی؛ ۸- بحران هویت فردی و جمعی؛ ۹- زندگی در مسکن غیرقانونی؛ ۱۰- مفاسد جنسی؛ ۱۱- بی‌نظمی و بی‌ثباتی (نادری، ۱۳۸۳: ۳۸).

۳-۲- عوامل اجتماعی-فرهنگی

حاشیه‌نشینان یکی از عواملی هستند که منجر به مهاجرت از روستاها به شهرها می‌شود. بنابراین امر مهاجرت به دو نظام روستایی و شهری مرتبط می‌شود. در واقع انسان حاشیه‌نشین دارای شخصیتی است که در دو نظام فرهنگی متفاوت رشد پیدا می‌کند (پارسا، ۱۳۸۹: ۶). در حاشیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را بوجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱). در ابتدای امر مهاجرت، افراد زندگی مرفه شهری و نموده‌های رفاهی طبقات رفاهی را برای خود متجلی می‌سازند و سطح انتظارات آنها بسیار بالا هست و به دنبال آن هستند. اما در این خصوص تخصص و مهارت و سرمایه کافی ندارند و تنها راه برای کسب درآمد برای آنان راه‌های غیرقانونی می‌باشد (پارسا، ۱۳۸۹: ۶). افراد در محیط‌های حاشیه‌نشین دچار مشکلات اقتصادی هستند و دارای محیط چالش‌برانگیز هستند؛ در چنین مناطقی چون ارزش‌های انسانی از بین

می‌رود، کجروی‌های اجتماعی نیز سریع رشد می‌کند و اعمالی چون قاچاق، فقر، فحشا و دزدی و نظایر آنها فراهم می‌شود. جمع شدن بیش از حد مهاجرانی که دارای فرهنگ‌های متعدد هستند خود منجر به بزهکاری و ایجاد مناطق بزهکاری می‌شود. انواع ناهنجاری‌ها و انحرافات که در اجتماع صورت می‌گیرد همه آنها در اثر ناسازگاری‌های اجتماعی است که در روابط میان جامعه و فرد حکمفرما هست. و در مناطق حاشیه‌نشین جلوه بیشتری پیدا می‌کند. شاید همه حاشیه‌نشینان ذاتاً بعنوان فرد خلافکار نباشند اما مناطق حاشیه‌نشین دارای ویژگی‌هایی هستند که افراد با وجود قرار گرفتن در آن محیط، بطور خودکار تحت تأثیر این مناطق قرار می‌گیرند (پارسا، ۱۳۸۹: ۳۸).

۳-۳- عوامل کالبدی

فضاهایی به معنای وسیع کلمه وجود دارد که برخی از آنها دارای کمترین قابلیت دفاعی هستند و برخی دیگر دارای قابلیت دفاعی بالایی می‌باشند. در طیف فضاهای بدون دفاع یا آسیب‌پذیر یا آلوده نیز در یکسو فضایی که کمترین میزان را دارد، قرار داشته و در سوی دیگر فضایی که کم‌ضررترین آسیب‌زایی بیشترین ضربه را بر وجدان جمعی جامعه وارد می‌نماید. بنابراین این دو قطب یاد شده براساس ملاک‌های متنوعی از نظر عملکرد و کالبد هستند. در حال حاضر اینگونه فضاها به مسئله‌ای کالبدی اجتماعی در سطحی وسیع بدل گشته و افراد بسیار زیادی را در پرتو اثرات منفی خود قرار داده، وجدان جمعی را آزرده می‌سازد. اینگونه فضاها معلول اتفاقاتی است که در شهر رخ داده است زیرا به علت بزرگ شدن شهر و کم رنگ شدن و عدم کنترل مناسب فیزیکی و اجتماعی بر آن، فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌پذیرد که اثرات نامطلوبی بر پیکر جامعه گذاشته و آلودگی اجتماعی فضایی را به ارمغان می‌آورد. همه افراد بطور قطع شرایط و محیطی را که در آن احساس غم و شادی داریم را احساس نموده‌ایم. مناطقی که به دلایلی چون فیزیکی و معماری نامناسب هستند و جو خاصی را ایجاد می‌کنند که این مناطق رفتار افراد را بطور غیرمستقیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در جریان ادراک و شناخت، اطلاعات بوسیله اعضای حسی گرفته می‌شوند. از سوی دیگر شرایط محیطی مناسب، به ارضای نیازها کمک می‌کند و شرایط نامناسب مانع از آن می‌گردد. برای ارضای بسیاری از نیازهای کج روان نیز لازم است فضایی با ویژگی‌های خاص مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین فضای مناسب و مطلوب برای به سرانجام رساندن عملی مغایر با هنجارهای جامعه از سوی فرد آسیب زده باتوجه به تجارب، نوع آسیب و نوع فضا، انتخاب می‌شود. عملاً هر چیزی که در مقابل دیدگان فرد ظاهر می‌شود می‌تواند با فرد ارتباط برقرار نماید. و اطلاعات متفاوتی را به فرد ناظر منتقل کند (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۸). شلوغی باعث می‌شود تا فرد بیشتر احساس پرخاشگری نماید و برعکس زمانی که افراد فضای بیشتری احساس کنند، کمتر پرخاشگری

می‌کنند. در این مورد معماران پیشنهاد می‌دهند این احساس را با ایجاد پنجره‌هایی برای ایجاد نور بیشتر، استفاده از رنگ‌های روشن، بزرگتر کردن اتاق‌ها کمتر نمایند. بطور کلی هر عمل ناپهنجار و جرمی که از افراد سر می‌زند تحت عنوان جرم شناخته می‌شود و این عمل فرد ناشی از فعل و انفعالات در محیط و زمانی که فرد حاشیه‌نشین در آن زندگی می‌کند می‌باشد. در واقع این مکان جغرافیایی شرایط را آماده و مستعد برای فرد حاشیه‌نشین می‌کند تا به اعمال مجرمانه دست بزند. این امکانات به راحتی در مناطق حاشیه‌نشین فراهم می‌شود. از جمله این امکانات می‌توان به کوچه‌های تنگ و باریک، عدم روشنایی معابر و کاربری‌ها (مثل انبارها) اشاره کرد. وجود این مناطق زمینه را جهت بروز برخی آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌آورد (رهنمایی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۳-۴- عوامل سیاسی

استعمار و استثمار دولت‌های بیگانه و بی‌کفایتی سلاطین علی‌الخصوص در عصر گذشته و فقر فرهنگی و سواد و تغییر ناگهانی سیستم اقتصادی سنتی به یک اقتصاد مدرن، تک محصولی بودن صنعت کشور، واردات بی‌حساب و سرانجام همسو و همگام نبودن معیارهای شهرگرایی و صنعتی شدن و تقلید و مدل‌سازی از کشورهای اروپایی برای زندگی شهرنشینی همه از عواملی است که سبب شد شهرگرایی در ایران بصورت ناموزون و با شکلی ناهنجار صورت گیرد. عدم توزیع درآمدهای ملی و نقض معیارهای عدالت اجتماعی و نبود دسترسی یکسان و برابر به امکانات شغلی و رفاهی سبب اختلافات طبقاتی میان اقشار جامعه شهری، نداشتن سیاست‌های درست از جانب دولت و مهار نکردن این بحران شاهد تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی میان روستاها و یا در شهرها هستیم بطوریکه وقتی پا در یک روستا می‌گذاریم گویی در یک کشور متفاوت با فرهنگ و ملتی متفاوت هستیم اما پس از جنگ تحمیلی، رشد سریع جمعیت و به دنبال آن توسعه و گسترش شهرها، نیاز به ایجاد شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مناسب برای شهروندان و همچنین نسل‌های آینده را بعنوان مسئله ملی در آورده است. عوامل سیاسی دیگری در ارتکاب جرم و بوجود آمدن شهرک‌های اقماری وجود دارد از جمله افزایش بیکاری جوانان، کمبود امکانات رفاهی، نداشتن مسکن مناسب، داشتن درآمد کافی و ... می‌باشد (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

۴- مبانی نظری

موضوع تحقیق، اثر حاشیه‌نشینی بعنوان یک فضای زیستی با ویژگی‌های پیش گفته، بر جرائم جنسی است. در این بخش به بررسی اجمالی نظریه‌هایی می‌پردازیم که تمرکز بر این ویژگی‌ها و سوالات تحقیق دارند.

۴-۱- دیدگاه‌های اقتصادی

وقوع جرم، بعنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، می‌تواند علت‌های متعددی داشته باشد و برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن مطالعات گسترده‌ای توسط جرم‌شناسان انجام شده است. یکی از دیدگاه‌های مهم و اساسی در بررسی شرایط محیطی ارتکاب جرم، ویژگی‌های اقتصادی محیط است. شروع تحقیقات حوزه اقتصادی جرم را می‌توان به مطالعه بکر (۱۹۶۸) نسبت داد (Buonanno, 2008: 97-89). از دیرباز دلایل اقتصادی یکی از محرک‌های مجرمان برای ارتکاب جرائم علیه اموال یا اشخاص بوده است.

در خصوص اقتصاد جرم چهار تعبیر مختلف در ادبیات جرم‌شناسی به چشم می‌خورد. تعبیر اول از اقتصاد جرم، ریشه در تفکرات مکتب کلاسیک جرم‌شناسی دارد. بنتام معتقد بود، باید درد و رنج ناشی از مجازات، بر سود و فایده ناشی از جرم فزونی داشته باشد زیرا مجرم با محاسبه دقیق هزینه‌های جرم و منافع آن تصمیم به رفتار مجرمانه می‌گیرد. تعبیر دوم در مورد هزینه‌ها و احياناً منافع اقتصادی جرم برای عده‌ای از افراد است که از وقوع جرم منتفع می‌گردند. تعریف سوم از اقتصاد جرم بررسی نقش جرم در اقتصاد کلان یک کشور است. یعنی مطالعه سهم جرم در هزینه‌های کلی جامعه و روند رو به افزایش و کاهش آن از مباحث مطروحه در این رویکرد. در نهایت تعریفی از اقتصاد جرم که موضوع بررسی جرم‌شناسی این مبحث است؛ بررسی علل و عوامل اقتصادی جرم می‌باشد (Bonger, 1916).

۸۸

۱- فقر: یکی از موضوعات مهم در مطالعات نظری و تجربی جرم‌شناسی، بررسی عامل فقر اقتصادی در زمینه‌سازی جرم است. به عقیده بسیاری از جرم‌شناسان عواملی نظیر عدم دسترسی به غذا، مسکن نامناسب، ازدحام و شلوغی محل زندگی و امکانات اولیه زندگی ناکافی باعث انجام فعالیت‌های غیرقانونی بعنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط است. بر مبنای عوامل اقتصادی، فقر را انگیزه ارتکاب جرم طبقه فرودست و حرص و افزون‌طلبی را انگیزه ارتکاب جرم طبقه فرادست می‌توان دانست (Messner, 1982: 114-103).

۲- نابرابری: جرائم اقشار ضعیف جامعه از ترکیبی از انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی تشکیل می‌شود. علت وقوع جرم، در ساختار نابرابر روابط طبقاتی موجود در جامعه قرار دارد. ارلیک به این نتیجه رسید که «یک رابطه معنی‌دار بین نرخ‌های جرم و سهم تعداد افراد با درآمد پایین‌تر از نصف درآمد میانه در ایالت‌های آمریکا وجود دارد» (Ehrlich, 1973: 321).

بر اساس نظریه‌های جرم‌شناسی مارکسیستی عامل اصلی جرائم حاشیه‌نشینان، در مواجهه با نابرابری‌های نهادینه شده؛ بهره‌کشی ذاتی اقتصادی از طبقه غالب کارگران حاشیه‌ها و از خود بیگانگی ناشی از سرمایه‌داری مصرفی می‌باشد (وایت و هینس، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

۳- بیکاری: بیکاری بعنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی از یکسو با آثار روانی و رفتاری بر فرد و از سوی دیگر آثار اجتماعی همواره مورد توجه سیاستگذاران کشورها بوده است. مطالعات صورت گرفته در آمریکا نشان می‌دهد که علاوه بر اثرات فقر و نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری نیز رابطه مثبت و معنی‌دار با جرائم مالی نظیر سرقت دارد (Jacobs, 1981: 28-12).

۲-۴- فرهنگ و آموزش

مارشال کلینارد معتقد است حاشیه‌نشینینی، خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، با انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر، از جمله انزوای اجتماعی همراه است (Clinard, 1996). براساس نظریه حالت سرماخوردگی آلبرت کوهن و نظریه فرصت افتراقی ریچارد کلووارد و لوید اوهلین جایگاه یک فرد در یک خرده فرهنگ خاص، گروه قومی یا طبقه اقتصادی بر گزینه‌های در دسترس و انتخاب‌های وی تأثیرگذار است. بنابراین، بزهکاران ممکن است گروه‌های بزهکاری یا خشونت تشکیل دهند دقیقاً به این دلیل که ارزش‌هایشان توسط سیستم آموزش و پرورش طبقه متوسط رد شده است و آنها باور دارند که بطور جمعی می‌توانند بهتر از حالت فردی عمل کنند (محمدنسل، ۱۳۹۵: ۱۴۵). ارزش‌های مورد تأکید جامعه، ارزش‌های طبقه متوسط هستند که از سوی نهادهای اجتماعی مانند مدرسه منعکس می‌گردند اما طبقه پایین فرصت کمتری برای دستیابی به آنها دارند به همین خاطر جوانان طبقه پایین از سوی نظام مدرسه نامطلوب ارزیابی می‌شوند و بطور جمعی در یک دوره زمانی، یک نظام ارزشی جدید را بوجود می‌آورند.

طبق بررسی‌های انجام شده، از دیگر عوامل موثر بر کاهش جرم مساله آموزش مهارت‌های شناختی است. این مهارت‌ها از عوامل موثر بر رفتار و تحت تأثیر آموزش و یادگیری هستند. در این رابطه تحقیقی توسط رابینسون در ۱۹۹۵ انجام شده و در خلاصه تحقیقات نشریه Forum چاپ گردیده است. در این تحقیق به تأثیر آموزش مهارت‌های شناختی بر کاهش تکرار جرم توسط زندانیانی که آزاد شده‌اند، پرداخته شده است. در این پژوهش ضعف‌های شناختی زندانیان شامل تصمیم‌گیری آبی، کوتاه‌فکری، عدم رفتار هدفمند و ضعف مهارت‌های بین فردی در نظر گرفته شده است. نتیجه تحقیق گویای این است که گروه تحت آموزش نسبت به گروه کنترل یا شاهد دارای میزان کمتری ارتکاب جرم پس از آزادی بوده و همچنین هر قدر زمان ارائه آموزش به افراد نزدیک به زمان ترخیص یا آزادی مشروط زندانیان باشد، تأثیر آموزش‌ها مشهودتر خواهد بود (رابینسون، ۱۳۷۸: ۲۱).

۴-۳- کنترل و امنیت

افراد، تمام جوامعی که در آنها زندگی می‌کنند را خود انتخاب نمی‌کنند بلکه بعضی مواقع مجبور به گذراندن بخشی از طول عمر خود در برخی از آن جوامع می‌شوند. این جوامع دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود هستند و ممکن است همه رفتارهای فرد که به طرق مختلف و با شرایط متفاوت یاد گرفته می‌شوند با قواعدی که محصول این ارزش‌ها هستند مطابقت نداشته باشند. جامعه‌شناسان برای جلوگیری از بروز این رفتارهای نابهنجار به دنبال تشریح راه‌های کنترل آنها هستند.

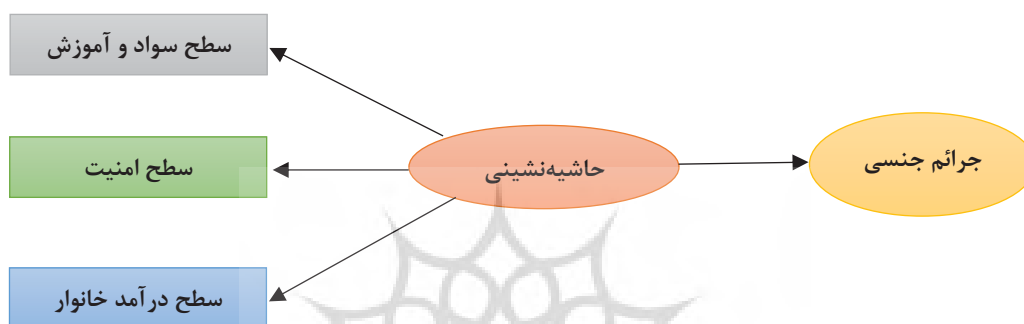
۱- کنترل: امیل دورکیم انحراف را پدیده‌ای طبیعی تلقی می‌کرد. او با تقسیم جوامع به ساده و پیچیده بیان داشت که در جوامع ساده افراد با رفتارهای همسان، دارای اهدافی گروه-محور هستند اما با پیچیده‌تر شدن جوامع روابط، کار و اهداف افراد دارای اشکال شدیداً همکنشی می‌گردد. مردم برای تولید و توزیع کالاها به یکدیگر وابسته می‌گردند و ارتباطشان بجای قیود خانوادگی و دوستی، براساس قیود پیمانکاری شکل می‌گیرد که هر لحظه امکان شکسته شدن دارند. وقتی قواعد حاکم بر چگونگی تعامل و همکنش افراد جامعه یا هنجارهای اخلاقی از بین می‌روند جامعه دچار نابهنجاری می‌گردد و دیگر بر فعالیت اعضاء خود کنترلی ندارد. این عدم کنترل خودبخود موجب ناامیدی، منازعه و انحراف می‌گردد. این فنون خنثی‌سازی شامل؛ انکار مسئولیت، انکار تخطی، انکار بزه دیده، محکوم کردن محکوم کنندگان و توسل به وفاداری‌های بالاتر می‌شوند.

رکلس با ارائه «مفهوم شخصی» فرد از خود، بیان کرد که ارتکاب رفتار مجرمانه بستگی به قدرت مهار درونی و مهار بیرونی فرد دارد. این مفهوم شخصی، تصویری است که در شخص از خود وجود دارد و شدت اثر کنترل اجتماعی و وضعیت بیرونی بستگی به آن تصویر (مثبت یا منفی) دارد.

۲- امنیت: نکته‌ای که باید به آن توجه شود، نقش و اهمیت وجود احساس امنیت در بین افراد جامعه در بعد ذهنی در کنار وجود امنیت در بعد عینی آن است و به همین علت، برخی از کارشناسان احساس امنیت را مقدم بر وجود عینی امنیت معرفی کرده‌اند. «آنها معتقد هستند که واکنش‌های افراد در جامعه به میزان ادراک و دریافت آنها از امنیت در جامعه وابسته است. بنابراین تا زمانی که از نظر فرد، در جامعه امنیت وجود نداشته باشد، احساس امنیت نیز وجود نخواهد داشت» (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۳۴). از دلایل تراکم بالاتر جرم در کلانشهرها نسبت به سایر نقاط شهری می‌توان از گمنامی، نظارت اجتماعی پایین، وسعت بالا، ازدحام جمعیت، پیدایش و افزایش راه‌های مواصلاتی، مهاجرت‌ها و به تبع آن پیدایش مقولاتی از جمله خرده فرهنگ‌ها، ضد فرهنگ‌ها و ... نام برد که این امر محیط امنیتی را در اینگونه جوامع با پیچیدگی روبرو کرده و به مخاطره انداخته است. از این‌رو هر جامعه‌ای با ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی سعی در فراهم آوردن امنیت مردمش داشته که از مهمترین آنها می‌توان به سازمان نیروی انتظامی یا عبارت دیگر پلیس اشاره

کنیم (عسگری خانگه و عامری، ۱۳۸۷: ۱۴۴). این نهادها در مواقعی که خود-کنترلی یا کنترل اجتماعی به اندازه‌ای کافی نیست تا مانع بروز رفتار مجرمانه گردد با ایجاد امنیت ذهنی و عینی زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند.

۵- مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۱) مدل مفهومی پژوهش

۶- روش‌شناسی تحقیق

در این بخش روش‌شناسی تحقیق با ملاحظه روش تحقیق، ابزار گردآوری داده‌ها، تحلیل روایی و اعتبار، شیوه نمونه‌گیری، روش‌های تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مورد توجه قرار گرفته است.

۶-۱- نوع و روش پژوهش

این تحقیق برحسب هدف از نوع کاربردی و برحسب نحوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است که در آن به بررسی اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی می‌پردازد.

۶-۲- جامعه آماری مورد بررسی

یکی از اهداف تحقیقات علمی، توصیف و تشریح وضعیت جامعه است و روش معمول این است که نمونه‌ها از جامعه انتخاب شود (دلور، ۱۳۸۵: ۵۱). جامعه آماری این پژوهش را تعدادی از ساکنین محله‌های حاشیه‌ای و مرکزی شهر پاکدشت در تهران و مددکاران اجتماعی و ضابطان قضایی تشکیل می‌دهند، که تعداد آنان ۲۴۸ نفر است.

جدول (۱) نمونه آماری از جامعه مدنظر پژوهش

نمونه	تعداد جامعه آماری	نام جامعه آماری
۱۱۰	۱۷۳	ساکنین محله‌های حاشیه‌ای و مرکزی پاکدشت در تهران
۲۲	۳۵	مددکاران اجتماعی
۱۸	۴۰	ضابطین قضایی
۱۵۰	۲۴۸	جمع

۳-۶- حجم نمونه

حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به دست آمده است بدین صورت که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب از بین سه طبقه مذکور براساس نسبت جمعیت جامعه آماری بصورت تصادفی ساده ۱۵۰ نفر انتخاب شده است.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2} = 150$$

ضریب اطمینان: ۹۵٪
 $z: ۱,۹۶$
 $p=q$

۹۲

۴-۶- واحد تحلیل

واحد تحلیل، واحدی است که اطلاعات و خصوصیات آن جمع‌آوری و توضیح داده می‌شود. بر این مبنا واحد تحلیل تحقیق حاضر را تعدادی از ساکنین محله‌های حاشیه‌ای و مرکزی شهر تهران و مددکاران اجتماعی و ضابطان قضایی تشکیل می‌دهند.

۵-۶- شیوه نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و جامعه آماری مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده می‌شود، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین سه طبقه مذکور براساس نسبت جمعیت جامعه آماری بصورت تصادفی ساده ۱۵۰ نفر انتخاب شده و پرسشنامه بین آنها توزیع گردیده است.

جدول ۲) نمونه‌گیری از جامعه آماری

مجموع	سن و جنسیت								میزان تحصیلات
	زن				مرد				
	۳۰-بلا	۳۰-۲۵	۲۵-۲۰	۲۰-۱۵	۳۰-بلا	۳۰-۲۵	۲۵-۲۰	۲۰-۱۵	
۳۷	۸	۱۰	۰	۰	۰	۱۳	۴	۲	زیر دیپلم
۳۳	۱	۱	۴	۱	۱۳	۱۲	۱	۰	دیپلم
۳۴	۵	۳	۰	۰	۱۶	۹	۱	۰	فوق دیپلم
۲۶	۷	۱	۳	۰	۷	۱	۷	۰	کارشناسی
۱۷	۱	۳	۰	۰	۹	۴	۰	۰	کارشناسی ارشد
۳	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	دکتری

۶-۶- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

۹۳

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز از روش میدانی، کتابخانه‌ای و اسنادی به شرح زیر استفاده می‌شود.

روش میدانی: در این روش پژوهشگر در نظر دارد از طریق مراجعه به متخصصین مربوطه و بهره‌گیری از پرسشنامه‌هایی که محقق ساخته است، اطلاعات موردنیاز را باتوجه به ویژگی‌های مرتبط با روایی و اعتبار آن، با ابزار پرسشنامه گردآوری نماید.

روش کتابخانه‌ای: در این شیوه کلیه کتاب‌های علمی و تخصصی در زمینه پژوهش، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دست اول، آرشیو سازمان‌های رسمی و سایت‌های اینترنتی معتبر و دانشگاه‌ها به روش متن‌خوانی و فیش‌برداری مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۶-۷- ابزارهای گردآوری داده‌ها

در این تحقیق در نظر است از ابزارهای، پرسشنامه و فیش‌برداری از اسناد و مدارک به شرح زیر استفاده می‌شود:

۱) تنظیم پرسشنامه: پرسشنامه‌ای حاوی سوال‌هایی مرتبط با اهداف تحقیق تهیه و به افراد جامعه نمونه ارسال و جمع‌آوری می‌گردد.

۲) استفاده از مدارک و اسناد معتبر موجود در بایگانی ارگان‌های ذیربط با فیش‌برداری: جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه شامل دو بخش سوالات عمومی و سوالات اختصاصی است.

سوالات عمومی شامل سن و جنسیت و مقطع تحصیلی می‌باشد و سوالات اختصاصی براساس هدف و مسئله تحقیق شامل سوالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی می‌باشد. تعداد سوالات اختصاصی در پرسشنامه شامل ۲۶ سوال با پاسخ‌های ۵ درجه‌ای براساس طیف لیکرت، به شرح زیر می‌باشد:

سوالات ۱-۹) (شامل سوالات مربوط به سنجش بعد سطح سواد و آموزش)؛

سوالات ۱۰-۱۸) (شامل سوالات مربوط به سنجش بعد سطح امنیت)؛

سوالات ۱۹-۲۶) (شامل سوالات مربوط به سنجش بعد سطح درآمد خانوار).

۷- تعیین قابلیت اعتبار یا روایی ابزار پژوهش و قابلیت اعتماد یا پایایی پژوهش

۷-۱- اعتبار محتوی پژوهش

روایی در علوم اجتماعی از این امر ناشی می‌شود که بجز در موارد استثنایی، اندازه‌گیری در این شاخه از علم بطور غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در چنین حالتی پژوهشگر هیچگاه مطمئن نیست که دقیقاً آن چیزی را که می‌خواهد اندازه‌گیری کند، اندازه می‌گیرد.

اعتبار یعنی اینکه آیا پژوهشگر واقعا آن چیزی را که می‌خواهد اندازه‌گیری کند، اندازه‌گیری می‌کند یا خیر. انواع اعتبار عبارتند از: ۱- اعتبار محتوایی، ۲- اعتبار عینی یا تجربی، ۳- اعتبار سازه‌ای.

اعتبار محتوایی بر دو نوع است: الف- اعتبار صوری، ب- اعتبار نمونه‌گیری.

در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده می‌شود. یعنی پرسشنامه در طی چند مرحله به کارشناسان و مشاوران ارجاع داده شده و ایرادات اصلاح و در چند مرحله رفت و برگشت، پرسشنامه نهایی شده و روایی موردنظر تصویب گردید.

۷-۲- قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار پژوهش

پایایی یک ابزار اندازه‌گیری، عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه‌گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یکی از روش‌های محاسبه پایایی، استفاده از روش فرمول ضریب آلفای کرونباخ است. این روش برای محاسبه پایایی (سازگاری) درونی ابزارهای اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌ها استفاده می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از روش‌های محاسبه قابلیت اعتماد، استفاده از آلفای کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه بکار می‌رود (سرمد و بازرگان، ۱۳۸۸).

مقدار آلفا را با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌کنند:

$$\alpha = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{\sum s^2_j}{s^2} \right]$$

آ: تعداد زیر مجموعه سوالات پرسشنامه یا آزمون.

δ: انحراف معیار کل جامعه.

به این ترتیب که بعد از توزیع ۳۰ پرسشنامه بعنوان آزمون ابتدایی آلفا با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید که مقدار آلفای محاسبه شده مربوط به هر متغیر و آلفای کل در جدول زیر آمده است.

جدول ۳) مقدار آلفای کرونباخ شاخص‌های مربوط به عوامل اجتماعی

ردیف	عنوان متغیر	ضریب آلفا
۱	سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای	.۸۷
۲	سطح امنیت در مناطق حاشیه‌ای	.۸۸
۳	سطح درآمد خانوار در مناطق حاشیه‌ای	.۸۸
ضریب پایایی کل گویه‌های سازه اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی = ۰.۸۸		

۹۵

طبق نتایج حاصله از جدول از آنجائیکه مقدار آلفای کرونباخ کلیه متغیرها بیش از ۰/۰۸۰ است با اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان کرد کلیه متغیرها دارای پایایی مناسبی بوده و مورد تأیید قرار می‌گیرند.

۸- روش‌های تحلیل آماری

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار LISREL 0.8, SPSS 18 انجام می‌شود. جهت توصیف داده‌ها از جداول توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شده است. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های استنباطی T تک نمونه، همبستگی پیرسون رگرسیون و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

۹- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی صحت و سقم فرضیه در هر نوع تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است و امروزه در بیشتر تحقیقاتی که مبتنی بر اطلاعات جمع‌آوری شده از موضوع مورد پژوهش می‌باشد تجزیه و تحلیل اطلاعات از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش‌های پژوهش محسوب می‌شود. داده‌های خام با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و پس از پردازش به شکل اطلاعات در اختیار استفاده کنندگان قرار می‌گیرند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از هر دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردیده است. جهت توصیف متغیرهای تحقیق در قالب جدول و نمودار از آمار توصیفی سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی با استفاده از نرم‌افزار SPSS18 آورده شده است. در قسمت آمار استنباطی نیز، برای تحلیل داده‌ها جهت قضاوت در مورد فرضیات پژوهش پس از مشخص شدن نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها به تناسب از آزمون‌های T تک نمونه، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

۹-۱- آمار توصیفی

در این قسمت بعد از گردآوری داده‌ها و اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی که شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مانند فراوانی، درصد فراوانی، نمودار و جداول می‌باشد به توصیف نمونه پرداخته می‌شود.

۱) وضعیت سنی پاسخ دهندگان

طبق نتایج به دست آمده ۲ درصد (۳ نفر) از پاسخگویان دارای سن ۲۰-۱۵ سال، ۱۳ درصد (۲۰ نفر) دارای سن ۲۰ تا ۲۵ سال و ۳۸ درصد (۵۷ نفر) نیز دارای سن ۲۵ تا ۳۰ سال و ۴۷ درصد (۷۰ نفر) نیز دارای سن بالای ۳۰ سال بوده‌اند.

جدول (۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن

وضعیت سنی پاسخ دهندگان				
فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی	
۳	٪۲	٪۲	۳	۲۰-۱۵
۲۰	٪۱۳	٪۱۳	۲۳	بین ۲۰-۲۵
۵۷	٪۳۸	٪۳۸	۸۰	بین ۲۵-۳۰
۷۰	٪۴۷	٪۴۷	۱۵۰	بالای ۳۰
۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰		مجموع

۲) وضعیت جنسیتی پاسخ دهندگان

براساس یافته‌های تحقیق ۶۷ درصد (۱۰۱ نفر) از پاسخگویان مرد و ۳۳ درصد (۴۹ نفر) نیز زن بوده‌اند.

جدول ۵) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

وضعیت جنسیتی پاسخ دهندگان					
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی	
۱۰۱	۶۷٪	۶۷٪	۶۷٪	۱۰۱	مرد
۴۹	۳۳٪	۳۳٪	۳۳٪	۱۵۰	زن
۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵۰	مجموع

نتایج جدول نشان می‌دهند که ۲۵ درصد (۳۷ نفر) از پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۲ درصد (۳۳ نفر) دارای تحصیلات دیپلم، ۲۳ درصد (۳۴ نفر) دارای تحصیلات کاردانی، ۱۷ درصد (۲۶ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۱ درصد (۱۷ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۲ درصد (۳ نفر) از آنان دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند.

جدول ۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی پاسخ دهندگان					
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی	
۳۷	۲۵٪	۲۵٪	۲۵٪	۳۷	زیر دیپلم
۳۳	۲۲٪	۲۲٪	۲۲٪	۷۰	دیپلم
۳۴	۲۳٪	۲۳٪	۲۳٪	۱۰۴	کاردانی
۲۶	۱۷٪	۱۷٪	۱۷٪	۱۳۰	کارشناسی
۱۷	۱۱٪	۱۱٪	۱۱٪	۱۴۷	کارشناسی ارشد
۳	۲٪	۲٪	۲٪	۱۵۰	دکتری
۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵۰	مجموع

۹-۲- آمار استنباطی

آماره‌های استنباطی بررسی اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی

(۱) آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون تی تک نمونه مرتبط با فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که:

فرضیه ۱: پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای در ارتکاب جرائم جنسی موثر است.

- پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای در ارتکاب جرائم جنسی موثر نیست. $H_0: q < 3$

- پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای در ارتکاب جرائم جنسی موثر است. $H_1: q > 3$

جدول (۷) نتایج آزمون تی تک نمونه فرضیه اول

میانگین انحراف از معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد داده
۰.۳۸	۰.۶۹۳	۳.۰۱	۱۵۰

Test Value = 3						
۹۵ درصد فاصله اطمینان	اختلاف		مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره T	سطح سواد و آموزش
	حد بالا	حد پایین				
۰.۸	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۸۶۳	۳۲۵	۰.۱۷۳	۰.۸

۹۸

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد مقدار معناداری بدست آمده بزرگتر از $0.05/5$ است و از طرفی میانگین 3.01 بدست آمده بنابراین فرض صفر رد می‌شود. حد بالا فاصله اطمینان بزرگتر از صفر و حد پایین کوچکتر از صفر بوده لذا ادعای آزمون تأیید می‌شود. بنابراین با اطمینان $0.95/0$ می‌توان گفت: پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای در ارتکاب جرائم جنسی موثر است.

فرضیه ۲: پایین تر بودن سطح امنیت در حاشیه‌ها نسبت به سایر مناطق شهری امکان ارتکاب جرائم جنسی را در این مناطق افزایش می‌دهد.

- پایین تر بودن سطح امنیت در حاشیه‌ها نسبت به سایر مناطق شهری امکان ارتکاب جرائم جنسی را در این

مناطق افزایش نمی‌دهد. $H_0: q < 3$

- پایین تر بودن سطح امنیت در حاشیه‌ها نسبت به سایر مناطق شهری امکان ارتکاب جرائم جنسی را در این

مناطق افزایش می‌دهد. $H_1: q > 3$

جدول شماره ۸) نتایج آزمون تی تک نمونه فرضیه دوم

میانگین انحراف از معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد داده
۰.۲۶	.۴۷۷	۴.۰۱	۱۵۰
سطح امنیت			

Test Value = 3						
	اختلاف میانگین	مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره T	۹۵ درصد فاصله اطمینان	
					حد بالا	حد پایین
سطح امنیت	۱.۰۰۶	۰/۰۰۰	۳۲۵	۳۸,۰۴۰	۰.۹۵	۱,۰۶

باتوجه به نتایج جدول چون مقدار معناداری ۰/۰۰۰ بدست آمده که کوچکتر از ۰۰۰/۵ است و چون میانگین ۴,۰۱ بدست آمده بنابراین فرض صفر رد می‌شود. همچنین حد بالا و پائین فاصله اطمینان بزرگتر از صفر بوده (مثبت) ادعای آزمون تأیید می‌شود. بنابراین با اطمینان ۰/۰۹۵ می‌توان گفت: پایین‌تر بودن سطح امنیت در حاشیه‌ها نسبت به سایر مناطق شهری امکان ارتکاب جرائم جنسی را در این مناطق افزایش می‌دهد.

۹۹

فرضیه ۳: پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای موجب ارتکاب جرائم جنسی بیشتری در این مناطق می‌گردد.

- پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای موجب ارتکاب جرائم جنسی بیشتری در این مناطق نمی‌گردد. $H_0: q < 3$

- پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای موجب ارتکاب جرائم جنسی بیشتری در این مناطق می‌گردد. $H_1: q > 3$

جدول ۹) نتایج آزمون تی تک نمونه فرضیه سوم

میانگین انحراف از معیار	انحراف از معیار	میانگین	تعداد داده
۰.۱۷	.۳۰۷	۳.۰۲	۱۵۰
سطح درآمد خانوار			

Test Value = 3						
	اختلاف میانگین	مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره T	۹۵ درصد فاصله اطمینان	
					حد بالا	حد پایین
سطح درآمد خانوار	۰.۲۲	.۱۸۷	۳۲۵	۱,۳۲۲	-۰.۱	۰.۶

طبق نتایج حاصل از جدول میانگین ۳,۰۲ بدست آمده و مقدار معناداری ۰/۰۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود. همچنین حد بالا بزرگتر از صفر و حد پائین فاصله اطمینان کوچکتر از صفر بوده، ادعای آزمون تأیید می‌شود. بنابراین با اطمینان ۰/۰۹۵ می‌توان گفت: پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای موجب ارتکاب جرائم جنسی بیشتری در این مناطق می‌گردد.

۱۰- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مرتبط با فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است:

فرضیه ۱: پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای در ارتکاب جرائم جنسی موثر است.

جدول ۱۰) نمایش ماتریس همبستگی فرضیه اول

ضریب همبستگی		پایین بودن سطح سواد و آموزش	ارتکاب جرائم جنسی
پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰,۶۱۱
	مقدار معناداری		۰/۰۰۰
ارتکاب جرائم جنسی	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰
	ضریب همبستگی پیرسون	۰,۶۱۱	۱
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰

طبق نتایج جدول به میزان ۰/۰۶۱۱ بین متغیرهای پایین بودن سطح سواد و آموزش در مناطق حاشیه‌ای و جرائم جنسی ارتباط وجود داشته و با توجه به اینکه مقدار معیار تصمیم $\text{sig}=(۰/۰۰۰)$ بدست آمده است و کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین این ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است.

فرضیه ۲: پایین‌تر بودن سطح امنیت در حاشیه‌ها نسبت به سایر مناطق شهری امکان ارتکاب جرائم جنسی را در این مناطق افزایش می‌دهد.

جدول (۱۱) نمایش ماتریس همبستگی فرضیه دوم

ضریب همبستگی		سطح امنیت در حاشیه‌ها	جرائم جنسی
سطح امنیت در حاشیه‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰.۸۷۹
	مقدار معناداری		۰/۰۰۰
	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰
جرائم جنسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰.۸۷۹	۱
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰

بطوریکه در جدول مشاهده می‌شود به میزان ۰/۰۸۷۹ بین این دو متغیر (پایین‌تر بودن سطح امنیت در ۱۰۱ حاشی‌ها و ارتکاب جرائم جنسی) ارتباط وجود داشته و از آنجائیکه مقدار معیار تصمیم $\text{sig}=(۰/۰۰۰)$ بدست آمده است و کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا این ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است.

فرضیه ۳: پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای موجب ارتکاب جرائم جنسی بیشتری در این مناطق می‌گردد.

جدول شماره ۱۲) نمایش ماتریس همبستگی فرضیه سوم

ضریب همبستگی		درآمد خانوارها	جرائم جنسی
درآمد خانوارها	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰.۶۳۶
	مقدار معناداری		۰/۰۰۰
	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰
جرائم جنسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰.۶۳۶	۱
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد نفرات	۱۵۰	۱۵۰

باتوجه به آماره‌های جدول می‌توان گفت به میزان $0/0636$ بین دو متغیر پایین‌تر بودن مقدار درآمد خانوارها در مناطق حاشیه‌ای و ارتکاب جرائم جنسی ارتباط وجود داشته و از آنجائیکه مقدار معیار تصمیم $sig=(0/0/0)$ بدست آمده است و کوچکتر از $0/05$ می‌باشد لذا این ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است.

نتایج بدست آمده به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

اثرات حاشیه‌نشینی (پایین بودن سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار) بر ارتکاب جرائم جنسی تاثیرگذار است و بین این مولفه‌ها همبستگی معناداری وجود دارد، چراکه سطح معناداری بدست آمده $(sig=0/000)$ کمتر از آلفای تحقیق $(a=0/05)$ می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که هرچه وضعیت عوامل سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار و ... در مناطق حاشیه‌ای و مرکزی شهر تهران بهبود یابد به همان اندازه ارتکاب جرائم جنسی کاهش می‌یابد.

نوع همبستگی بین دو مولفه مذکور خطی بوده یعنی بهبود مولفه‌های سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار بصورت خطی و مستقیم موجب بهبود ارتکاب جرائم جنسی و کاهش میزان این جرم خواهد شد. همبستگی بین دو متغیر در سطح متوسط قرار دارد $(r=0/365)$. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که از طریق تمرکز و کار روی بهبود سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار می‌توان وضعیت ارتکاب جرائم جنسی را بهبود داد.

۱۰۲

جدول ۱۳) آزمون همبستگی فرضیه اصلی پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	
	شدت	حاشیه‌نشینی
معنی‌داری		$0/000$
تعداد		۱۵۰

باتوجه به آماره‌های جدول بالا اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی تأیید می‌شود (همبستگی $0/365$). بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و جرائم جنسی) و فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد: میان حاشیه‌نشینی و افزایش جرائم جنسی ارتباط مستقیم وجود دارد.

۱-۱۰- برازش مدل رگرسیون

جهت بررسی میزان تاثیر بصورت برازش مدل رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول (۱۴) آزمون نرمال توزیع داده متغیر جرائم جنسی

ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین تصحیح شده	انحراف استاندارد	آزمون دوربین-واتسون
۰.۳۶۵	۰.۱۳۵	۰.۱۳۱	۰.۸۲	۱,۷۵

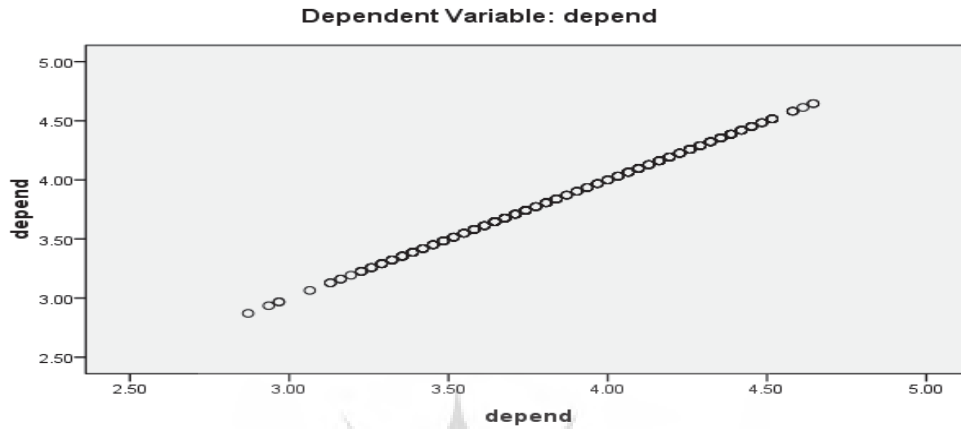
باتوجه به آماره‌های جدول بالا می‌توان چنین عنوان کرد که ضریب همبستگی برابر ۰.۳۶۵ است. مقدار ضریب تبیین ۰.۱۳۵ بدست آمده و این مقدار نشان می‌دهد که ۱۳.۵٪ تغییرات در ارتکاب جرائم جنسی به پایین بودن سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار مربوط می‌شود و بقیه به عوامل دیگری بستگی دارد. جهت رفع مشکل عدم در نظر گرفتن درجه آزادی از ضریب تبیین تعدیل شده استفاده می‌شود که برابر با ۰.۱۳۱ می‌باشد. باتوجه به اینکه مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱,۵ الی ۲,۵ می‌باشد استقلال باقیمانده‌ها را ۱۰۳ نتیجه می‌گیریم.

جدول (۱۵) تحلیل رگرسیون حاشیه‌نشینی و جرائم جنسی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره f	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۲۵۱۲,۰۶	۱	۲۵۶۳,۰۲۹	۳۵,۴۵۶	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۵۹۸۳,۳۲۴	۲۳۴	۶۸,۹۳۳		
کل	۱۸۵۰۶,۴۶۵	۲۳۵			

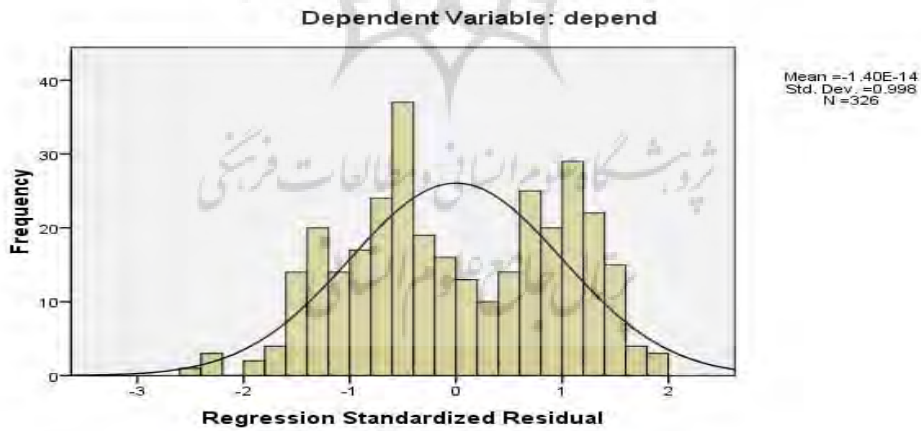
طبق نتایج سطح معناداری محاسبه شده برای این آمار برابر ۰/۰۰۰ بوده و نشان از معناداری رگرسیون در سطح ۰.۹۹ (sig=۰/۰۰۰) دارد. نمودار هیستوگرام رسم شده در مدل رگرسیون فرضیه نرمال بودن باقیمانده‌ها را تأیید کرده، بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده مورد قبول می‌باشد.

Scatterplot



نمودار ۲) پراکنش متغیر وابسته (جرائم جنسی) با مقادیر پیش‌بینی شده استاندارد و باقیمانده‌ها

Histogram



نمودار ۳) نرمال بودن باقیمانده‌ها

جدول ۱۶) مدل رگرسیون تأثیر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی

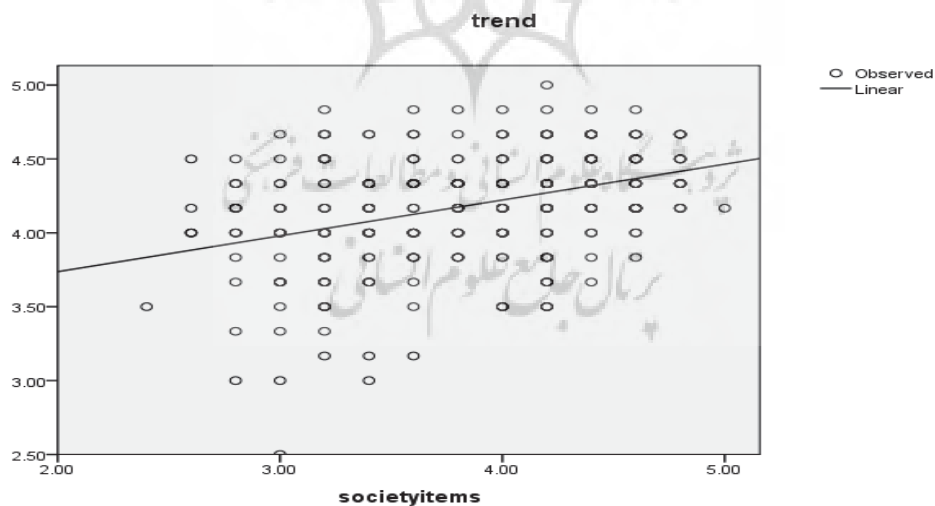
مدل	B	Std.error ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد beta	T	Sig.
مقدار ثابت	۲۲,۴۵۲	۳,۲	-	۶,۳۲۴	۰/۰۰۰
حاشیه نشینی	.۲۵۴	۰/۰۴۲	.۳۶۵	۵,۰۳۲	۰/۰۰۰

متغیر وارد شده در معادله رگرسیونی هسته اصلی تحلیل رگرسیون می‌باشد. معادله رگرسیون را می‌توان با استفاده از ستون B به شرح زیر محاسبه کرد:

$$\text{خطا} + \text{حاشیه‌نشینی} (۰,۲۵۴) + \text{ارتکاب جرائم جنسی} = ۲۲,۴۵۲$$

بعبارتی با ارتقای یک واحد مولفه‌های حاشیه‌نشینی (سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار)، $۰/۰۲۵۴$ واحد گرایش به ارتکاب جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌ای مورد مطالعه بهبود و کاهش پیدا خواهد کرد. آزمون t مربوط به ضریب رگرسیون نیز در این جدول نشان می‌دهد که این ضریب معنی‌دار بوده (sig=۰/۰۰۰) و در برآورد میزان ارتکاب جرائم جنسی موثر می‌باشد.

۱۰۵



نمودار ۴) معادله خطی برازش داده شده اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی

۱۰-۲- مدل نهایی پژوهش

باتوجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، مدل نهایی تحقیق بصورت ذیل ارائه می‌گردد:

جدول (۱۷) ضرایب مسیر و معناداری نشانگرهای مدل تحلیل مسیر تأییدی

متغیر	علامت در مدل	پارامتر استاندارد	انحراف استاندارد	t	p-value	a
سطح سواد و آموزش	Q1	.۳۴	۰/۰۶۵	۳,۹۳	۰/۰۰۰	.۸۵
سطح امنیت	Q2	.۷۵	۰/۰۸۲	۵,۶۵	۰/۰۰۰	
سطح درآمد خانوارها	Q3	.۶۱	۰/۰۷۴	۵,۴۷	۰/۰۰۰	

جدول (۱۸) ضرایب مسیر و معناداری نشانگرهای مدل تحلیل مسیر تأییدی

مقدار گاما (اثر حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی)	انحراف استاندارد	T
.۹۲	.۱۵	۵,۱۴

۱۰۶

از آنجائیکه در تحقیق حاضر تنها رابطه علی بین جرائم جنسی بعنوان متغیر وابسته و حاشیه‌نشینی بعنوان متغیر مستقل، مدنظر بوده تنها یک مقدار گاما وجود دارد که این مقدار باتوجه به مقدار آزمون t معنی‌دار است. لذا فرض صفر رد شده و رابطه معنی‌دار بین این دو تأیید می‌شود. مقدار بالای ضریب مسیر (۰.۹۲) بیانگر تأثیرپذیری بالای حاشیه‌نشینی بر جرائم جنسی می‌باشد. داده‌های جدول بیانگر این است که داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری حاشیه‌نشینی و جرائم جنسی برازش مناسبی داشته بنابراین شواهد کافی برای رد این مدل بدست نیامده است.

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینان را کسانی تشکیل می‌دهند که در شهرها زندگی می‌کنند اما بعنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری کافی بهره نمی‌برند. بیشتر این افراد مهاجرانی هستند که همچنان فرهنگ‌های قبلی خود را حفظ نموده‌اند و در عین حال خود را شهری می‌دانند. تحقیق حاضر برای بررسی صدق این فرضیه‌ها انجام گرفت و در این بخش بطور خلاصه به جمع‌بندی تحقیقات کتابخانه‌ای و نتیجه‌گیری از حاصل آزمون‌ها و تحلیل‌های آماری انجام گرفته بر روی داده‌های تحقیق می‌پردازیم.

در این پژوهش میزان تأثیر هر کدام از عوامل حاشیه‌نشینی موثر بر جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌ای اطراف شهر تهران (پاکدشت) شناسایی شده را از دیدگاه مخاطبان تحقیق توسط آزمون تی تک نمونه بررسی نمودیم که نتایج ذیل بدست آمد:

کلیه عوامل حاشیه‌نشینی شامل سطح سواد و آموزش (میانگین = ۳,۰۱)، امنیت (میانگین = ۴,۰۱)، سطح درآمد خانوار (میانگین = ۳,۰۲) دارای نقش اساسی در ارتکاب جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌ای اطراف شهر تهران می‌باشند و با بهبود این عوامل می‌توان میزان این جرائم را کاهش داد.

در بخش دیگر این پژوهش سعی نموده‌ایم از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون به بررسی تأثیر و رابطه حاشیه‌نشینی و مولفه‌های آن همچون سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار با ارتکاب ۱۰۷ جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌ای و مرکزی شهر تهران بپردازیم طبق نتایج کلیه مولفه‌های حاشیه‌نشینی مدنظر دارای همبستگی معناداری با ارتکاب جرائم جنسی در این مناطق می‌باشند و همبستگی بین آنان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بخش دیگری مشخص می‌نماید؛ سطح سواد و آموزش دارای شدت همبستگی ۰,۶۱۱ با ارتکاب جرائم جنسی می‌باشند، امنیت دارای شدت همبستگی ۰,۸۷۹ با ارتکاب جرائم جنسی می‌باشد و سطح درآمد خانوارها دارای شدت همبستگی ۰,۶۳۶ با جرائم جنسی می‌باشد.

در بخش دیگر به منظور برآورد معادله رگرسیون برای پیش‌بینی میزان همبستگی بین حاشیه‌نشینی با جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌ای و مرکزی شهر تهران، براساس متغیرهای تحقیق از مدل رگرسیون گام به گام استفاده گردید و مشخص شد که با استفاده از متغیرهای بهبود سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار می‌توان یک مدل قابل اتکا برای پیش‌بینی میزان کاربرد این عوامل در کاهش جرائم جنسی در حاشیه شهر تهران توسط مدیران و کارشناسان و مددکاران اجتماعی و مشاوران شهر تهران ارائه نمود.

طبق نتایج؛ با ارتقای یک واحد عوامل دخیل در حاشیه‌نشینی (سطح سواد و آموزش، سطح امنیت و سطح درآمد خانوار)، ۰,۲۵۴ واحد جرائم جنسی در مناطق مورد مطالعه شهر تهران کاهش پیدا خواهد کرد. آزمون

t مربوط به ضریب رگرسیون نیز در این جدول نشان می‌دهد که این ضریب معنی‌دار بوده ($\text{sig}=0/000$) و در برآورد میزان جرائم جنسی موثر می‌باشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عده زیادی از مجرمان جنسی به دلیل نداشتن فرصت‌های شغلی برابر، سرمایه و ابزار تولید، جرائم جنسی را جایگزین ارزانتر و آسان‌تری برای رسیدن به اهداف مالی و رفاه تبلیغ شده بطور رسمی یا غیررسمی در جامعه جدید یافته‌اند. از سوی دیگر فشارهای شدید اقتصادی باعث گردیده است که سرپرست خانواده بیشترین وقت و انرژی خود را صرف تأمین معاش خانواده نماید و به همین دلیل نظام کنترل در سطح خانواده و محله کارایی خود را از دست داده است. عده‌ای از مجرمان جنسی، افرادی هستند که قبلاً به دلیل فقدان امنیت و فراهم بودن فضای کافی برای انجام فعالیت‌های تبهکارانه مورد تعرض و سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند و با احساس عدم امکان جامعه‌پذیری و ایجاد هویت جدید با درونی شدن این مفهوم شخصی جدید بخاطر فرایند برچسب‌زنی، از بزه دیدگان جنسی تبدیل به مجرمان جنسی می‌گردند.

فهرست منابع

فارسی: ۱۰۸

- ۱- احمدی، احمد (۱۳۸۸)، «حاشیه‌نشینی و جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۲- الهیانی کیکانلو، حمید (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه عوامل محیط طبیعی و اجتماعی در پیدایش جرم و روند آن در شهر بجنورد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزاء، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.
- ۳- بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، جرائم و مجازات‌ها، مترجم: محمدعلی اردبیلی، چ ۴، تهران: انتشارات میزان.
- ۴- پارسا، غفار (۱۳۸۹)، «حاشیه‌نشینی و جرائم»، روزنامه مردم‌سالاری.
- ۵- دلاور، علی (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، چ ۱۹، تهران: موسسه نشر.
- ۶- رایبسون، دال (۱۳۷۸)، «تأثیر آموزش مهارت‌های شناختی بر تکرار جرم پس از آزادی»، ترجمه: راهرو خواجه، احمد، فصلنامه اصلاح و تربیت، ش ۵۹.
- ۷- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۹)، «تحلیل نقش مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش آسیب‌های اجتماعی شهرنشینی شتابان در ایران»، فصلنامه جغرافیای انسانی، س ۳، ش ۱.
- ۸- زارع شاه‌آبادی، اکبر و ترکان، رحمت‌اله (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، س ۴، ش ۲.
- ۹- عابدینی، سعدی (۱۳۸۲)، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- ۱۰- فدایی شهری، غلامرضا (۱۳۷۸)، «پلیس و پیشگیری از جرائم در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا، دانشگاه تهران.
- ۱۱- عسگری خانگه، اصغر و عامری، مهدی (۱۳۸۷)، «گذری بر فرهنگ رفتار پلیس با مردم»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، س ۲، ش ۳.
- ۱۲- محسنی تبریزی، رضا (۱۳۸۷)، «نقش اقدامات انتظامی در پیشگیری از جرائم در مناطق حاشیه‌نشین بومهن»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۳، ش ۱.
- ۱۳- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۵)، نظریه‌ها و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۱۴- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۴)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- ۱۵- نادری، امیر (۱۳۸۳)، «مهاجرت جوانان: آسیب‌ها و پیامدهای امنیتی آن»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۴.
- ۱۶- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و بیگی، مجیدهاشم (۱۳۷۸)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۷- نجفی توانا، علی (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی، چ ۶، تهران: انتشارات سنجش.
- ۱۸- نقدی، اسداله و صادقی، رسول (۱۳۸۵)، «حاشیه‌نشینان چالشی فراروی توسعه پایدار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۲۰.
- ۱۹- وایت، راب و فیونا، هینس (۱۳۸۹)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: میر روح‌اله صدیق، تهران: انتشارات دادگستر.

لاتین:

- 20- Bonger, W (1916). *Criminality and economic conditions*, Boston: Little, Brown.
- 21- Buonanno, P (2003). *The Socioeconomic Determinants of Crime. A Review of the Literature*, Working Paper Dipartimento di Economia Politica, Università di Milano Bicocca.
- 22- Clinard, Marshal (1966). *Slum and Community development*, New York: the free press.
- 23- Ehrlich, I (1973). "Participation in Criminal Activities: A Theoretical and Empirical Investigation", *Journal of Political Economy*.
- 24- Jacobs, D (1981). *Inequality and economic crime*, Sociology and Social Research.
- 25- Messner, S. F (1982). *Poverty, Inequality, and the Urban Homicide Rate*, Criminology.